



جان فیسک
ترجمه: نسرين ناظمی

گد؛ عامل تولید و نشر مفاهیم در جامعه

واحدهای آنها نشانه‌هایی هستند که به چیزی غیر از خودشان اطلاق می‌شوند.
۴. به لحاظ اجتماعی تولید شده‌اند و به زمینه اجتماعی مشترک یا توافق میان کاربرانشان وابسته‌اند.
۵. به وسیله واسطه‌های مناسب و موجود ارتباطات، قابل انتقال هستند.

گدهای قیاسی (Analog) و رقمی (Digital).
گدقیاسی، در طول یک محور پیوسته سازمان یافته است و گد رقمی، از واحدها یا نشانه‌های مجزا ترکیب شده است. طبیعت، یا واقعیت، از محورهای پیوسته تشکیل یافته است. ولی یک روش فرهنگی برای درک معنای طبیعت، رقمی کردن یا دسته‌بندی کردن آن می‌باشد. بنابراین، ساعت مچی عقربه‌دار، قیاسی است: حرکت عقربه‌ها در اطراف صفحه مستمر بوده و قابل مقایسه با حرکت مداوم زمان طبیعی می‌باشد. از سوی دیگر، ساعت رقمی این محور پیوسته را تقسیم‌بندی کرده و آن را به ساعت، دقیقه و ثانیه گدگذاری می‌کند.

اولیه گدهای رفتاری، نظیر گدحقوقی یا گدهایی که بسیاری از هیأت‌های حرفه‌ای همچون آگهی‌سازان یا پزشکان برای تنظیم رفتار اعضایشان تدوین می‌کنند، کنترل اجتماعی است. البته این گدها، معنا (Meaning) را هم تولید و مبادله می‌کنند - به عنوان نمونه، عدالت در یک جامعه خاص به چه معناست یا پزشک بودن یعنی چه؟ - اما عملکرد اولیه آنها بیشتر تنظیمی است تا ارتباطی.
گدهای ارتباطی، ویژگی‌های زیر را ارائه می‌دهند:

۱. از یک جنبه صرفی (Paradigmatic) تشکیل شده‌اند؛ یعنی مجموعه‌ای از واحدها (یا نشانه‌ها)، که انتخابی از میان آنها صورت گرفته است.
۲. به وسیله قراردادهای نحوی (Syntagmatic) مرتب شده‌اند؛ که تعیین می‌کند چگونه یک واحد یا نشانه انتخاب شده می‌تواند با واحدهای دیگر، به گونه معناداری ترکیب شود.
۳. معنا را ساخته و انتقال می‌دهند؛

نظام تولید و مبادله مفاهیم درون یک جامعه از طریق گد انجام می‌شود؛ به این معنا که، هر جنبه از زندگی اجتماعی ما گدگذاری شده است، هر آنچه می‌گوییم، می‌بینیم، می‌شنویم یا انجام می‌دهیم. گدها، اساس تمامی جنبه‌های زندگی در جامعه را تشکیل می‌دهند: هر آنچه ساخته یا تولید می‌شود؛ از اتومبیل تا لوازم آرایش، کلیه فعالیت‌ها؛ از بازی فوتبال تا رفتن به مدرسه، حتی نحوه درک ما از طبیعت. در واقع، زندگی اجتماعی از شبکه پیچیده و همه جا حاضر گدها تشکیل یافته است. شاید تهیه ریخت‌شناسی (تیپولوژی) جامعی از گدها غیرممکن باشد، اما می‌توان عناصر تشکیل دهنده یک گد را به تفصیل شرح داد و ساختار طبقه‌بندی شده کاملی ارائه داد که به وسیله آن، گدها را دسته‌بندی و سپس درک نماییم.

کنترل اجتماعی؛ هدف گدهای رفتاری
نخستین تمایز، بین گدهای رفتاری و گدهای معنا بخش به چشم می‌خورد. هدف

علائم یا اعداد اطراف حاشیه یک ساعت رقمی، حرکت عقربه‌ها و نیز حروف واشکالی که به وسیله آنها زمان را مبادله می‌کنیم رقمی می‌کنند (برای مثال ۳:۳۰ بعد از ظهر). درک مفهوم طبیعت و قابل مبادله کردن آن مفهوم شامل رقمی کردن، دسته‌بندی کردن و گدگذاری کردن آن می‌باشد. بنابراین فاصله بین فردی (Interpersonal Distance)، یک مسحور پیوسته طبیعی است. ما معنای آن را به وسیله گدگذاری کردن آن به صمیمی (در حدود ۳ فوت)، شخصی (حدود ۳ تا ۸ فوت) و عمومی دریافت می‌کنیم. پیرشدن، یک فرآیند پیوسته است؛ اما سن و سال را در دسته‌هایی گدگذاری می‌کنیم و بیشتر اوقات، تشریفات مرزی مفصلی را برای عبور از یک دسته رقمی به دسته دیگر بنا می‌کنیم. تبدیل طبیعت به فرهنگ (Culture) و به این ترتیب قابل درک و مبادله ساختن آن، مستلزم گدگذاری کردن آن به شکل رقمی می‌باشد.

گدهای ظاهری (Presentational) و نماینده (Representational)

گدهای نماینده برای تولید مضامینی به کار می‌روند که پیام‌هایی با هستی فیزیکی هستند؛ یعنی مستقل از زمینه اجتماعی که در آن تولید شده‌اند. ولی در مقابل، گدهای ظاهری، فقط معنا را درون زمینه انتقال و دریافت‌شان منتقل می‌سازند. بدینسان یک کتاب، مرکب از گدهای نماینده زبان نوشتاری، علامت‌گذاری، صفحه‌آرایی و طراحی است. این گدها در هر زمینه اجتماعی مناسبی عمل می‌کنند. برای نمونه، گدهای ظاهری زبان گفتاری، لحن صدا، حالت چهره و لباس، تنها می‌توانند در زمینه اجتماعی به عنوان کاربرد قطعی خود عمل کنند. گدهای ظاهری معرف ارتباط بین فردی (Interpersonal Communication) می‌باشند، گدهای نماینده معرف ارتباط با واسطه یا جمعی هستند. بدن انسان، انتقال دهنده عمده گدهای ظاهری است که سه نوع مهم آن عبارتند از:

۱. گدهای رفتاری آموخته شده (برای مثال، حالت چهره). این گدها از راه تجربه اجتماعی کسب شده‌اند و بیشتر اوقات، زیرواستانه آگاهی یا قصد عمده عمل می‌کنند. با این وجود، گدگذار قادر است آنها را به کنترل خود در آورد، اما به دشواری.

۲. گدهای کالاهای اقتصادی (برای مثال،

لباس). کالاهای اقتصادی تولیدی فرهنگی می‌توانند گدهای ظاهری بدنی را به تفصیل شرح دهند. این گدها در کنترل کامل گدگذار هستند.

۳. گدهای بدنی وراثتی (برای مثال، اندازه فیزیکی). این گدها به ویژگی‌های فیزیکی بستگی داشته و بیشتر، خارج از کنترل کاربر قرار دارند.

برای انتقال یک یا بیشتر از چهار نوع مفهوم زیر می‌توان به هر نوع از گدهای ظاهری مراجعه نمود:

۱. مفاهیمی درباره روابط: طرز برخورد یک شخص نسبت به دیگری و روابط دوستانه یا روابط مسلط بین آنها.

۲. مفاهیمی درباره وابستگی اجتماعی: عضویت طبقه یا گروه اجتماعی، که در هر موقعیت خاصی آن را بروز می‌دهیم.

۳. مفاهیمی درباره هویت: نمایش تفاوت‌های فردی درون گروهی یا وابستگی طبقه‌ای.

۴. مفاهیم بیانی: مفاهیمی درباره حالات درونی و عاطفی مردم درگیر در ارتباط. مسایکل آرزیکل (Michael Argyle)،

روانشناس اجتماعی بریتانیایی فهرست ده مورد از گدهای ظاهری رفتاری را که بدن انسان منتقل می‌سازد ارائه کرده است:

۱. لامسه: چه کسی را، کجا و چه موقع لمس می‌کنیم. پاسخ، می‌تواند مفاهیم دلبستگی و نزدیکی اجتماعی را گدگذاری کند.

۲. مجاورت: فاصله بین مردم، مفاهیمی را درباره خصوصیت رابطه گدگذاری می‌کند.

۳. جهت‌یابی: زوایایی که مردم خود را در جهت یکدیگر قرار می‌دهند بیانگر مفاهیم اجتماعی هستند. برای مثال، از نزدیک با یکدیگر روبرو شدن، حاکی از صمیمیت یا آغاز پرخاش است؛ تشکیل زاویه ۹۰° با دیگری دلالت بر همکاری دارد.

۴. ظاهر: این گد، در واقع یک گد وراثتی است اما در این فهرست آمده است؛ زیرا ما قادریم ظاهرمان را تا اندازه‌ای به وسیله رژیم غذایی، مدل مو، تزئین بدن و غیره کنترل نماییم. ظاهر، مفاهیمی را درباره شخصیت، مرتبه اجتماعی و سازگاری اجتماعی انتقال می‌دهد.

۵. اشاره‌های سر: این گدها، به طور کلی برای از پیش بردن فعل متقابل، به ویژه در نوبت‌گیری برای مکالمه عمل می‌کنند.

گدها، اساس تمامی جنبه‌های

زندگی در جامعه را تشکیل

می‌دهند: هر آنچه ساخته یا

تولید می‌شود؛ از اتومبیل تا

لوازم آرایش، کلیه فعالیت‌ها؛ از

بازی فوتبال تا رفتن به مدرسه،

حتی نحوه درک ما از طبیعت.

در واقع، زندگی اجتماعی از

شبکه پیچیده و همه جا حاضر

گدها تشکیل یافته است.

۶. حالت چهره: این گد به گدهای موقعیت ابرو، شکل چشم، شکل دهان و اندازه صورت قابل تقسیم می‌باشد که می‌توان آنها را به روش‌های گوناگون ترکیب نموده، و دامنه وسیعی از مفاهیم شخصی، عاطفی و اجتماعی را انتقال داد.

۷. حرکات سر و دست (ایما و اشاره):

می‌توان دست‌ها، بازوها، سر و پاها را برای انتقال گستره وسیعی از مفاهیم به کار برد.

۸. حالت بدن: روش نشستن، ایستادن یا

خوابیدن می‌تواند مفاهیم بیانی، طرز برخورد بین فردی، یا مرتبه اجتماعی را برساند.

۹. حرکت چشم و تماس چشم: چشم‌ها،

مفاهیم قدرتمندی را به ویژه درباره روابط انتقال می‌دهند، علاوه بر این جهت پیشبرد فعل متقابل یا نوبت‌گیری و برای بیان احساسات درونی نیز عمل می‌کنند.

۱۰. جنبه‌های غیرشفاهی کلام: بلندی،

آهنگ، شدت صدا، لهجه و تکیه کلام، همگی می‌توانند نه تنها معنی لغات، بلکه مفاهیم اجتماعی و رابطه‌ای را که درون آن ادا می‌شوند تحت تأثیر قرار دهند.

این گدها از توانایی‌های فیزیکی بدن انسان برای تولید و مبادله مفاهیم استفاده می‌کنند، و می‌توانند از لحاظ فرهنگی توسعه و گسترش یابند. برای نمونه، «مو» تغییرپذیرترین ویژگی طبیعی ما است، و به این ترتیب مدل‌های مو، به خوبی تلقین معنا می‌کنند. لوازم آرایش نیز برای توسعه پتانسیل معنا بخشی بدن به کار می‌روند. البته، اینها به گدهای کالاهای اقتصادی نزدیک هستند.

انتخاب واقعی از میان مفاهیم کدگذاری شده

عملکرد ارتباطی حوزه وسیعی از کالاهای مصرفی، کارکردن به عنوان جنبه‌های مجازی بدن انسان است. پوشش، مسکن، اثاثیه منزل و اتومبیل همگی دارای هدفی عملی هستند - گرم، خشک، آسوده و متحرک نگاه داشتن ما - اما این عملکردی اولیه است که درستی آن مسلم است. انتخاب‌های مصرفی معنادار، از میان مجموعه‌ای از کالاها صورت می‌گیرند که با وجود هدف عملی کاملاً برابر، در هدف ارتباطی‌شان اختلاف فاحش دارند. انتخاب‌های واقعی از میان مفاهیم کدگذاری شده روابط اجتماعی، عضویت اجتماعی و هویت فردی است.

پس از آن، جنبه‌های دیگری از بدن انسان وجود دارند که بیشتر به لحاظ وراثتی معین شده‌اند تا فرهنگی. این جنبه‌ها شامل مشخصاتی نظیر نژاد، رنگ پوست، اندازه فیزیکی و جنس هستند. به‌طور کلی، این مشخصات در کنترل فرد نیستند، و بنابراین انتخاب صرفی (Paradigmatic) به‌وسیله کدگذار صورت نمی‌گیرد؛ بلکه تنها در سطح اجتماعی به‌وقوع می‌پیوندد. بدین ترتیب، هیچ فردی نمی‌تواند تصمیم بگیرد که به عنوان سفید، سیاه یا زردپوست، یا به عنوان مذکر یا مؤنث کدگذاری شود، اما جامعه می‌تواند تصمیم بگیرد چه مفاهیم و ارزش‌هایی را به این تفاوت‌های فیزیکی تفویض کند و چنین می‌کند.

البته گاهی اوقات، مردم سعی می‌کنند تغییری را در زمینه کدهای ظاهری وراثتی اعمال کنند. دامنه این تلاش‌ها، از دگرگونی‌های نسبتاً سطحی - مثل تغییر رنگ مو یا تغییر رنگ چشم با به کار بردن لنزهای تزئینی - تا دگرگونی‌های اساسی‌تر نظیر تغییر نشانه‌های نژاد (شکل چشم یا ساختمان مو) یا تغییر جنسیت می‌باشد.

زبان، پیچیده‌ترین کد نماینده انسان کدهای نماینده تکامل تکنولوژیکی، کدهای ظاهری هستند که آنها را از زمینه مکان و زمان رها می‌سازند. نوع مفاهیمی که کدها می‌توانند انتقال دهند تا آنجا گسترش یافته است که غایب، انتزاعی و کلی را در برمی‌گیرد. زبان شفاهی، پیچیده‌ترین و توسعه‌یافته‌ترین کد نماینده انسان است. ممکن است زبان در شکل گفتاری‌اش، برخی عملکردهای یک کد

ظاهری را داشته باشد؛ اما ویژگی برجسته زبان، توانایی‌اش در به‌تصور کشیدن چیزها، استدلال نظری و ارائه اصول کلی است. زبان قادر است این امر را در هر دو شکل گفتاری و نوشتاری‌اش به انجام رساند.

مشخصات صوری کدهای نماینده، هم به‌وسیله خواص واسطه‌ای که از راه آن انتقال می‌یابند و هم، به‌وسیله استفاده‌های قراردادی که جامعه از آنها به عمل می‌آورد، تعیین می‌شوند. گفته می‌شود شکل نوشتاری، با نیاز آن به‌وسیله تولید دستی و توسط یک ابزار تیز بسروری یک ماده نازک و سبک، جهت حمل‌ونقل و ذخیره آسان تعیین شده است. سپس نیازهای فنی چاپ متحرک، حروف چاپی جدید را به وجود آورد و در نهایت، نیازهای کامپیوتری حروف چاپی دیگری را به وجود آورده است. این واسطه، در زمان خود گران بود و تنها برای پیام‌هایی که فرض می‌شد از اهمیت اجتماعی برخوردارند به‌کار می‌رفت. بدین ترتیب، قراردادهای زبان نوشتاری با قراردادهای زبان گفتاری تفاوت پیدا کردند و رسمی‌تر و قانونمندتر شدند. در ضمن، زبان نوشتاری مستلزم کد علامت‌گذاری به عنوان وسیله‌ای برای تکثیر کدهای ظاهری صرف (Inflection) و وقفه شد. پس می‌توان گفت کدهای نماینده، تحت‌تأثیر نیروهای فنی و اجتماعی هستند.

ارتباط تلویزیون با کدهای ظاهری

واسطه معاصر تلویزیون را می‌توان به عنوان مثالی از چگونگی عملکرد واسطه‌ای کدهای نماینده (هم فنی و هم قراردادی) و

■ حرکت عقربه‌های ساعت در اطراف صفحه ساعت، مستمر بوده و قابل مقایسه با حرکت مداوم زمان طبیعی می‌باشد. درک مفهوم طبیعت و قابل مبادله کردن آن مفهوم شامل رقمی کردن، دسته‌بندی کردن و کدگذاری کردن آن می‌باشد.

چگونگی ارتباط آنها با کدهای ظاهری برشمرد. یک رویداد، نظیر یک صحنه در یک تئاتر، از تلویزیون دیده می‌شود. این رویداد از تار پیچیده‌ای شامل کدهای ظاهری تشکیل یافته است. سپس، فرآیندهای تکنولوژیکی و رسوم قراردادی بر آن رویداد متمرکز شده‌اند به‌طوری که آن را به لحاظ الکترونیکی قابل انتقال و ضبط سازند، به لحاظ الکترونیکی قابل کدبرداری به‌وسیله گیرنده تلویزیون نمایند، و سپس آن را به لحاظ فرهنگی برای بیننده قابل کدبرداری کنند (شکل ۱ را ببینید).

تمام واسطه‌های ارتباطات دارای کدهای فنی و قراردادی واسطه‌ای مخصوص به خود می‌باشند، و هر قدر که واسطه‌ها شبیه به هم باشند، کدهای آنها نیز به یکدیگر شباهت خواهند داشت. بنابراین، کدهای فیلم و تلویزیون شباهت‌های بسیاری دارند که برخی از کدها، با رادیو و بعضی دیگر با عکس سهم

شکل ۱. کد قرآیند کدگذاری در تلویزیون

<p>رویدادی که از تلویزیون مشاهده می‌شود متشکل از کدهای ظاهری است، برای مثال: ظاهر، لباس، آرایش، محیط، رفتار، کلام، حرکات سرودست، حالت چهره، صدا و غیره؛</p>
<p>که به‌طریقه الکترونیکی به‌وسیله کدهای نماینده فنی کدگذاری شده‌اند، برای مثال: دوربین، نور، تدوین، موسیقی، افکت صدا، بازی؛</p>
<p>که کدهای نماینده قراردادی را انتقال می‌دهند، برای مثال: روایتی، تضاد، شخصیت، حادثه، گفت‌وگو، صحنه و غیره؛</p>
<p>که توسط کدهای عقیدتی به عنوان پیوستگی و پذیرش اجتماعی سازمان یافته‌اند، برای مثال: فردگرایی، پدرسالاری، نژاد، طبقه، مادی‌گرایی، سرمایه‌داری و غیره</p>

هستند. گدهای رادیو، به چند طریق شبیه گدهای ضبط صوت هستند و به راه‌های دیگری، به گدهای روزنامه شبیه هستند. بدین‌سان، واسطه‌های گوناگون از لحاظ گدهای فنی متفاوتند اما از لحاظ گدهای قراردادی‌شان به یکدیگر شباهت دارند، به طوری که قابلیت فرهنگی مورد نیاز جهت کدبرداری آنها نسبتاً به راحتی، از طریق تجربه اجتماعی کسب می‌شود.

گدهای تشخیصی (Denotational) و مجازی (Connotational)

گدها، فقط پیام‌ها را به آن سوی زمان و مکان انتقال نمی‌دهند؛ آنها همچنین مفاهیم را در یک جامعه ایجاد و منتشر می‌نمایند. مفاهیم پدیده‌های پیچیده‌ای هستند، و اقسام مختلف معنا، مستلزم انواع گوناگون گدها هستند. در یک کفه ترازو مفاهیم تشخیصی وجود دارند، یعنی معانی که بر یک دریافت از یک واقعیت جهانی بنا شده‌اند که برای هر کس در هر جامعه‌ای یکسان هستند. کد ریاضیات (مثلاً $2+3=5$) شاید ساده‌ترین مثال باشد. این گدها واقعی (Objective) و غیر شخصی هستند و مفاهیم آنها صرفاً در حوزه منطقی و عقلانی اذهان ما عمل می‌کنند. اما انسان‌ها علاوه بر عقلانی بودن، موجوداتی هستند اجتماعی، اخلاقی و عاطفی و گستره عظیمی از مفاهیمی از این‌گونه (و گدهایی برای انتقال آنها) وجود دارد که گدهای مجازی نامیده می‌شوند. مجاز، هنگامی رخ می‌دهد که مفاهیم مشخص شده، با نظام ارزشی یک فرهنگ یا نظام عاطفی یک شخص تلاقی پیدا می‌کنند. گدهای علمی می‌کوشند مفاهیم مشخص شده را بر مفاهیم مجازی اونویت بخشند. از سوی دیگر گدهای زیبایی شناختی گدهای مجازی را بر گدهای مشخص شده ترجیح می‌دهند. معانی مجازی، مختص یک فرهنگ یا زیر فرهنگ هستند. به این ترتیب، ممکن است یک تابلوی نقاشی در یک فرهنگ بر هارمونی و زیبایی دلالت کند اما در فرهنگ دیگر، معنایی مغایر و یا متضاد آن داشته باشد. لغتی مانند مستعمره (Colonial) در کشوری نظیر بریتانیا، که می‌کوشد از گذشته استعماری‌اش فرار کند، معنای مجازی منفی خواهد داشت، اما در ایالات متحده یا استرالیا با تاریخ اجتماعی کاملاً متفاوت‌شان، ارزش‌های مثبتی، به ویژه در معماری خواهد داشت. بیشتر گدهای اجتماعی، مفاهیم مشخص شده

و مجازی را به نسبت‌های متغیری انتقال می‌دهند. بنابراین، اگر چه ممکن است مفهوم مجازی مستعمره برای بریتانیا و ایالات متحده متفاوت باشد، ولی معنی مشخص شده آن بین دو کشور، دقیقاً مشترک خواهد بود.

یک عکس تا حدی از گدهای تشخیصی (بیشتر تکنولوژیکی) ترکیب یافته است که به واسطه آنها، ظاهر شیئی به عکس انتقال یافته و توسط بیننده شناخته می‌شود (کدبرداری می‌شود). اما گدهای مجازی (قراردادی) نیز در آن به کار رفته‌اند نظیر: گدهای کادربندی، تنظیم فاصله کانونی، نورپردازی، یا شفافیت فیلم که به وسیله آنها به شیئی مشخص شده معانی اجتماعی، ارزش‌ها و قوت افاده معنا داده می‌شود. هر انتخابی که عکاس صورت می‌دهد بر قراردادهای فن عکاسی بنا شده و به استفاده از گدهای مجازی می‌انجامد. گدهای تشخیصی، مفاهیم یکسانی را به تمامی کاربران‌شان انتقال می‌دهند و مستلزم درک هستند. مفاهیم گدهای مجازی بنا بر شرایط اجتماعی کاربران متفاوتند و مستلزم تفسیر هستند.

گدهای عقیدتی (Ideological)

گدهای مجازی، تصادفی نیستند. آنها بر طبق مجموعه عمیقاً شکل یافته‌ای از گدهای عقیدتی، که مسلم‌ترین و طبیعی‌ترین مفاهیم یک جامعه را تشکیل می‌دهند سازمان یافته‌اند. همه جوامع، دارای مجموعه‌های عمیق و نامرئی گدهای عقیدتی هستند که ارزش‌های اجتماعی را شکل می‌دهند و این ارزش‌های اجتماعی، به نوبه خود گدهای مجازی و زیبایی شناختی آنها را معین می‌کنند. در دموکراسیهای صنعتی غرب، برای برخی از این گدها یا نظام‌های مشترک مفاهیم و ارزش‌های واگذار شده به نواحی مرکزی زندگی اجتماعی می‌توان نام‌هایی نظیر: فردگرایی، آزادی، ترقی خواهی، مادی‌گرایی، پدربسالاری و علم‌گرایی اطلاق کرد.

گدهای رسانه عمومی (Broadcast) و رسانه اختصاصی (Narrowcast)

برخلاف این گدهای عقیدتی بسیار مشترک، در هر جامعه و بین جوامع تفاوت‌های اجتماعی وجود دارند. گدهای رسانه عمومی، گدهایی هستند که به منظور نشر مفاهیم در اطراف هر تعداد گروه اجتماعی ممکن، بر تجربه اجتماعی متعارف - و بنابراین

قراردادهای مشترک - تأکید می‌کنند. گدهای رسانه اختصاصی، گدهایی هستند با کاربرد اجتماعی کمتر و مجموعه محدودتری از قراردادها.

در میان انواع زبان نوشتاری، سبک مخصوص روزنامه‌نگاری، یک گد رسانه عمومی است. سبک نگارش حقوقی یک گد محدودتر، موزیک پاپ یک گد رسانه عمومی است، و اپرا یک گد رسانه اختصاصی. گدهای رسانه عمومی روبه ساده‌تر شدن هستند، به طوری که «مجموعه» (Paradigm) کوچکتری از نشانه‌ها و قواعد نحوی ساده‌تر برای ترکیبشان فراهم می‌آورند. گدهای رسانه عمومی از راه تجربه اجتماعی کسب می‌شوند؛ گدهای رسانه اختصاصی خیلی اوقات مستلزم آموزش یا پرورش رسمی هستند. هنر مردمی، از هر نوع که باشد، تمایل به استفاده گدهای رسانه عمومی دارد و هنر روشنفکرانه، گدهای رسانه اختصاصی را به کار می‌گیرد.

گدها و جامعه

گدها به وسیله توانایی‌شان در تولید و نشر ارزش‌ها و معانی مشترک، مفهوم اشتراک و منافع مشترک را که هر جامعه برای قوام و دوام خود بدان وابسته است ایجاد و حفظ می‌نمایند. گدها، این عمل را در تمامی سطوح سازمان اجتماعی، از کمترین سطح (ارتباطات دو نفره) تا بیشترین سطح ارتباطات ملی یا بین‌المللی، انجام می‌دهند. حتی برای ایجاد یک حس پیوسته و قابل مبادله اجتماعی از «خود» (Self) درون فرد عمل می‌کنند. فضای مابین افراد، جوامع و تکنولوژی‌ها را تشکیل می‌دهند و بنابراین، مرکز هر نظام اجتماعی هستند. □

منابع:

- کتابنامه. مایکل آرژیل، روان‌شناسی رفتار بین فردی، ویرایش چهارم، انتشارات هارموندزورث، انگلستان ۱۹۸۳
- باسیل برنشتاین، طبقه، گد و کنترلی، جلد ۱ و ۲، ویرایش بازرسی شده، لندن ۱۹۷۴
- کالین جری، در باب ارتباطات انسانی (۱۹۵۷)، ویرایش سوم، کمبریج، Mass، ۱۹۷۸
- جان فیسکه، مقدمه‌ای بر مطالعات ارتباطات، لندن و نیویورک، ۱۹۸۲
- بی‌یره گیراد، نشانه‌شناسی (به زبان فرانسه) مترجم جرج گراس، لندن ۱۹۷۵
- ادوارد ت. هال، زبان خاموش، نیویورک ۱۹۵۹، چاپ مجدد ۱۹۷۳
- رابرت ا. هینده، سرفقاله، ارتباطات غیرشفاهی، کمبریج ۱۹۷۲